

تطبيق برنامه آگاهی دهی حقوقی درلیسه عالی حبیبیه

● گزارشگر: بشیر احمد عزیزی



اعضای مبلغین ساحوی ریاست عمومی مساعدت های حقوقی وزارت عدلیه برای بیش از(۳۵۰) تن ازشاگردان لیسه عالی حبیبیه که شامل صنوف دوازدهم میشدند، درباره حقوق اساسی ووجایب اتباع آگاهی ارائه نمودند. موضوعات را که روی آن بحث کردند. عبارتند از:

حقوق اساسی ووجایب اتباع، این قانون به مثابه وثیقه ملی، بارعایت احکام دین مبین اسلام، تحکیم وحدت ملی، تحقق اهداف دموکراسی، اعمارجامعه مدنی، رفاه همگانی اقتصادی، اجتماعی، سیاسی وفرهنگی مشعل راه دولت ومردم کشور گردیده؛ صلح، برابری وبرادری را بین ملت افغانستان نامین مینماید. وهمچنان این قانون تعیین کننده ومبین کلیه اصول، موازین وخطوط اساسی فعالیت های دولت، قوای ثلاثه، نوعیت رژیم سیاسی، ارکانهای سازنده دولت وحکومت وهمچنان حقوق ووجایب اتباع را درقبال آن بصورت کل دربرگرفته ومنحیث یک دستورکلی والزام آور برای دولت، اتباع، اجتماعات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی وفرهنگی می باشد. " واژه" اساسی " یک کلمه عربی بوده ودرلغت تهداب را گویند (ی) کلمه اساسی (ی) نسیتی بوده که اساس را نسبت به حقوق یا قانون می دهد مانند اینکه می گوئیم حقوق اساسی ویا قانون اساسی، پس اساسی یعنی بنیادی واولیه باشد فلهذا حقوق اساسی عبارت ازامتیاز، سلطه ویا صلاحیت های قانونی وطبیعی است که بصورت فشرده درقانون اساسی برای افراد جامعه پیشبینی شده است ودولت مکلف به رعایت آنها میباشد این حقوق شامل حقوق اجتماعی وسیاسی اتباع بوده که قانون اساسی به شرح وبیان آن می پردازد، مانند حق برخورداری ازمساوات وعدم تبعیض، حق زندگی، حق داشتن آزادی بیان، حق کرامت انسانی، حق برائت ذمه، حق داشتن وکیل مدافع، حق انتخاب کردن وانتخاب شدن وغیره که تمام این حقوق به مثابه حقوق بنیادی انسان به شماری رود، پس این حقوق را ازدولحفاظ اساسی نامیده میتوانیم، یک این که این حقوق درقانون اساسی ذکراست. ودیگراینکه برای هرتبعه منحیث انسان اعطا شده که مستلزم وی بوده هیچگاه از اوانفکاک نی یابد، به عباره دیگر" حقوق اساسی مجموعه ازاصول وقواعدی است که روابط دولت را بامردم ومردم را به دولت وهمچنان قوای ثلاثه دولتی (مقننه، مجریه، وقضایه) ارتباط قوای مذبوربا یکدیگروحدود وظایف، صلاحیت ومسئولیت هریک توسط قانون اساسی معین ومشخص می گردد.

خره در فرهنگ معین به معنای دانستن حقیقت و کنه چیزی را ، آگاه و دانا، گویند و در اصطلاح کلمه خبره، پسند و آنچه مورد تأیید اهل فن باشد. ودر قاموس اصطلاحات حقوقی اهل خبره ذیلاً بیان گردیده است:

(اهل خبره، کسی که در موضوعات معین از علم وتجربه لازمه برخوردار بوده ونظر او به سببی از اسباب حکم پنداشته شود. یا اشخاصیکه در یک موضوع مشخص به اساس حرفه ویا مسلک وتخصص حایز معلومات کافی باشد).

اهل خبره؛به معنای کار شناس می باشد یعنی اشخاص مسلکی وفنی اند که در رشته های معین دارای تخصص ومعلومات مسلکی می باشند وهر زمانی که نزد مراجع عدلی وقضایی در رابطه به تثبیت وتشخیص قضیه معین یا مورد خاص شک وشبه پیدا شود وایجاب مطالعه وابرار نظر تخصصی را نماید، آن را به اهل خبره می فرستند. به هر اندازه که قضیه مغلق وپیچیده باشد به همان اندازه نیاز به نظر فنی ومسلکی اهل خبره بیشتر احساس گردیده ودر شگافتن مکونات قضیه دارای اثر مهم وعمده می باشد.

با در نظر داشت این که در حال حاضر علم به سوی پیشرفت وتکامل است وصد ها رشته مسلکی به وجود آمده وهنوز هم در حال توسعه وگسترش می باشد، نظریات فنی و مسلکی این کار شناسان می تواند در رسیدن به حقیقت وتامین عدالت سارنوال یا قاضی را کمک ومساعدت نماید. از این لحاظ راجع ساختن چنین موضوعات فنی ومسلکی به اهل خبره، امر ضرور دانسته می شود.

یکی از وسایل ومدارکی که در قانون اجرات جزایی منحیث ادله اثبات جرم مورد تاکید وپذیرش قرارگرفته است، موضوع اهل خبره یا کارشناسانی است که با استفاده از روش های علمی ، تحقیقی وتجربی در مورد واقعیت موضوع ابراز رأی ونظر می نمایند ان کار همانگونه که گفته شد از طرف کارشناسان صورت می گیرد . وکارشناسان در واقع اشخاصی اند که نظر به دانش مسلکی، تخصص و اطلاعاتی که در امور خاص دارند، می توانند ځارنوالان وبه ویژه قضأت محاکم را در رسیدن به واقعیت قضیه کمک و یاری نمایند.

هر گاه ځارنوال یا قاضی به نسبت پیچیدگی قضیه نتواند در مورد تصمیم اتخاذ نماید، می توانند قضیه را جهت ابراز نظر به اهل خبره ارجاع نمایند تا صحت و سقم آن به درستی تثبیت گردد. بنابر آن رجوع به نظر اهل خبره در صورتی مطرح بحث قرار می گیرد که محکمه نتواند نظر به علمی و تخصصی بودن موضوع، در رابطه به آن تصمیم اتخاذ کند و ناچار آن را به کار شناس یا کار شناسانی ارجاع می دارد که در این مورد از علم و تخصص کافی بر خوردار می باشند. مثلاً: در صورت ادعای مبنی بر تزویر یک سند یا دانستن سن یک خورد سال و یا معاینه طبی شخص که احتمال قتل وی موجود باشد، تثبیت اندازه خسارت وارده و ده هامورد دیگر.

ادامه در صفحه ۲

روزی که شما را برای روز گردآوری گرد می آورد آن (روز)روز حسرت

(خوردن) است و هرکس به خدا ایمان آوردهو کار شایسته ای کرده باشد

بدیهایش را از او بسترد و او رادر بهشتهایی که از زیر درختان آن جویبارها

روان است درآورد در آنجا بمانند این است همان کامیابی بزرگ

سوره تغابن آیه ۹

قانون منع خشونت و مسؤولیت ارگانهای دولتی

● **تتبع ونگارش : دردانه فضایی**

شخص دیگری سرایت نمی کند.»

فرار از منزل:

فرار از منزل یکی از وقایع است که غالباً منتهی به بد دادن دختران می گردد فرار دختر از منزل به مثابه ای هتک حرمت فامیل وی تلقی می گردد . از انچایکه غالباً در قبال فرار دختران از منزل به شکلی از اشکال مردی ذیدخل می باشد این عمل موجب ایجاد عداوت میان خانواده ها می گردد و جهت رفع عداوت میان فامیل های ذیدخل، بزرگان محل تشکیل جلسه داده و خواهر پسری را که با دختر فرار کرده است به فامیل دختری که با پسر فرار کرده است به می دهند در حدود ۱۵ در صد قربانیان بد در تحقیقات انجام شده توسط نهاد تحقیقاتی حقوق زنان و اطفال عبارت از دخترانی بوده اند که دراثـر فرار دادن دختر بوسیله برادر شان بد داده شده اند.

یک تحقیق تازه در مورد "بد دادن" که در نه ولسوالی افغانستان انجام شده است، نشان می‌دهد که این پدیده کاهش یافته است. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که دختران خردسال برای پسرانی به "بد" داده شده که قبلاً ازدواج کرده‌اند.

این تحقیق توسط موسسه ابتکار آزاد و مدنی برای صلح انجام شده و در این تحقیق، بیش از یک هزار نفر شرکت کرده و به سوال‌ها در مورد "بد دادن"، پاسخ داده‌اند. موسسه‌ای که این تحقیق را انجام داده، آمار و ارقام مشخصی در مورد بد دادن ندارد، اما اشتراک کنندگان تحقیق گفته‌اند که این رسم نسبت به سال‌های گذشته به مراتب کمتر شده است.

ادامه در صفحه ۲

اجتماعی و رضایت انها تحمیل گردیده که موجب ایجاد اثار و نتایج سوء و زیانبار می گردد. ماده ۲۵ قانون منع خشونت علیه زن در مورد مجازات مرتکب جرم بد دادن ذیلا صراحت دارد: (۱)شخصی که زن را به نام بد دادن به نکاح بدهد یا بگیرد مرتکب حسب احوال به حبس طویل که از ده سال بیشتر نباشد محکوم می گردد.

(۲) در حالت مندرج فقره (۱) این ماده اشخاص ذیدخل (شاهد، وکیل، مصلح و عاقد) هر یک حسب احوال به حبس متوسط محکوم و عقد نکاح در صورت مطالبه زن بد داده شده مطابق احکام قانون فسخ می گردد. موارد گوناگون از قبیل قتل ، فرار از منزل و غیره است که منجر به بد دادن دختران می گردد و ذیلا به آن اشاره می کنیم.

قتل:

در اثر قتل ارتکاب یافته توسط یک تن از اعضای فامیل شان مانند پدر، برادر و ... بد داده می شود هر چند اصل شخصی بودن جرایم و جزاها در شریعت اسلام و قوانین کشور پذیرفته شده است ولی در بسیاری نقاط کشور در بدل قتل ارتکاب یافته توسط برادر یا پدر خواهر قاتل برای فامیل مقتول به بد داده می شود در ارتباط قضایای قتل اکثرا ریش سفیدان و بزرگان محل بد دادن را به حیث وسیله ای حل وفصل مسألت امیز منازعه تلقی می نمایند. در حالیکه خداوند (ج) درسوره اسراء می فرماید: « نمی بردارد هیچ بر دارنده بار دیگری را »

همچنان ماده ۲۶ قانون اساسی در باره تصریح مید ارد: « جرم عمل شخصی است تعقیب ، گرفتاری یا توقیف متهم و تطبیق جزا بر او به

براساس آن، وادارکنندگان دختران کم سن و سال به ازدواج زودهنگام، مجازات شوند. آسیبهای روحی و فیزیکی ازدواجهای زیر سن را نمی توان در زندگی خصوصی و اجتماعی زن نادیده گرفت زیرا بیماریهای عصبی ، جسمانی ، محروم شدن از ادامه تحصیل، بلند رفتن آمار خشونت در خانواده ، افزایش میزان طلاق از جمله پیامدهای ناگوار ازدواجهای زیر سن است . که باید والدین و دولت در این زمینه مسؤولیت خود را درک نموده تا از پیامدهای ناگوار آن در خانواده و اجتماع جلوگیری نمایند.

تقریباً تمامی کشورها حد اقل سن مناسب ازدواج دختران و پسران را تعیین کرده اند که اغلب بین ۱۶ تا ۲۰ سال می باشد و البته برخی کشورها کمتر یا بیشتر از ان مثلاً تا ۲۴ سالگی را تعیین کرده اند .

بد دادن زن:

بد دادن از جمله عرف و عادات ناپسند است که مناقض شریعت اسلام بوده و از طرف دیگر در تضاد با قانون نیز می باشد. شیوه عملی و اجرای این رسم طوری است که به منظور حل و فصل نزاع میان دو قوم و یا دو قبیله و حتی دو فامیل دختری را از طرف متجاوز و جانی تسلیم فامیل متضرر و یا مجنی علیه می نمایند به عنوان مثال هر گاه برادر و یا پدر مرتکب قتل گردد جرگه ای قومی برای حل و فصل مسألت آمیز منازعه بین دو طرف غالباً دختر یا خواهر قاتل را به یکی از اعضای فامیل مقتول به همسری می دهند. بد دادن دختران در افغانستان مبدل به عرف و عادات گردیده و به شکل اجباری بالای دختران بدون در نظر داشت سن موقعیت

فقر و تنگدستی، رسم و رواج ناپسند اجتماعی، ناامنی و ادامه فرهنگ معافیت از جرم، از دید کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، دلایل عمده افزایش ازدواج‌های اجباری و زیر سن در افغانستان می‌باشد.

نماینده صندوق جمعیت سازمان ملل متحد در افغانستان با تاکید بر حمایت دولت از دختران، هشدار می‌دهد که ادامه ازدواج زیرسن منجر به تداوم فقر، نابرابری های جنسیتی و سایر مشکلات می‌شود و باید جلو آن گرفته شود.

افزون بر این، دسترسی ناکافی به آموزش، خدمات صحتی و چالش‌های دیگر اجتماعی از جمله خیابان آزاری از جمله مشکلات است که فرا راه دختران در افغانستان قرار دارد.

سازمان ملل متحد گزارش داده است زنان و دختران افغان با آنکه نصف جمعیت افغانستان را تشکیل می‌دهند، تنها ۱۷ درصد آنان در ادارات دولتی سهم دارند.

دسترسی محدود به آموزش مشکل دیگر دختران در افغانستان است. هم اکنون سه میلیون و ۵۰۰ هزار کودک – عمدتاً دختران –در افغانستان به نظام آموزشی دسترسی ندارند.

سازمان بین المللی دیده بان حقوق بشر از کشورهای جهان خواسته است تا مقابله با ازدواج دختران زیر سن قانونی را در اولویت سیاست های خود قرار دهند.

این سازمان با اشاره به اینکه ازدواج زود هنگام دختران معمولاً آنها را از ادامه تحصیل باز می دارد و در معرض خشونت همسر قرار می دهد، از کشورها خواسته است تا سن قانونی ازدواج را هجده سال قرار داده و قوانینی وضع کنند که

اهل...

در واقع اهل خبره نه از طریق حواس خود، بلکه با استفاده از روشهای علمی، استنتاج عقلی و مدارک، علایم و نشانه ها، نظر تخصصی خود راابراز می نماید. از آن جاکه کاربرد این شیوه برعایت شرایط و ضوابط قانونی بنا یافته است، از این رو به عنوان یک اماره قانونی مورد قبول می باشد.

این علایم ونشانه ها دروغ نمی گویند و اهل خبره یا کارشناس؛ زبان این نشانه ها محسوب می شود.در صورت تخلف واریایه گزارش نادرست اهل خبره بنابرحکم ماده ۴۷۲ کود جزا محکوم به جزا می گردد که ذیلآشعار می دارد:

"(۱) هرگاه اهل خبره مؤظف، گزارش یا نظر خود را در تناقض با حقایق قضیه ارایه کند، به حبس متوسط تا سه سال ، محکوم می گردد.

(۲) هرگاه مترجم مؤظف، اظهارات یا اسناد مربوط به قضیه را خلاف حقایق ترجمه کند، به مجازات مندرج فقره (۱) این ماده محکوم می گردد.

(۳)هرگاه اعمال مندرج فقره های (۱)- (۲) این ماده منجر به فرار شخص از تعقیب عدلی ویا عدم تطبیق عدالت گردد، مرتکب به حد اکثر حبس متوسط، محکوم می گردد."

به استیناد ماده ۴۴ قانون اجرات جزایی در تعیین اهل خبره واستفاده از نظر وی زمانی نیاز می باشد که ځارنوال یا قاضی نتواند در قضیه بدون اخذ نظررفنی و مسلکی تصمیم اتخاذ نماید. هر گاه اسناد و ادلهٔ مادی ارائه شده (قرائن) برای اثبات قضیه و شناخت مرتکب آن ایجاب ارزیابی مسلکی، تخصصی و فنی را نماید، مامور ضبط قضائی، ځارنوالی و محکمه می توانند به تجویز خود یا به اثر در خواست طرفین قضیه به منظور تثبیت احوال و رسیدن به حقیقت، نظر اهل خبره را در زمینه مطالبه نمایند.

مامور ضبط قضائی، ځارنوالی و محکمه می توانند در تقاضای خود از اهل خبره، انواع تحقیقات و سایر مطالب و معلومات لازم را به وضاحت بیان کنند.

ځارنوالی و محکمه می توانند علاوه بر اهل خبره که نام آنها در محکمه ثبت است، نظر اشخاص دیگر را که تخصص، دانش و تجربهٔ شان مورد اعتماد آنها قرار داشته باشد، مطالبه نمایند.

مسله مهم دیگراینکه اهل خبره باید در رابطه به موضوعی که از آنها نظر مسلکی و فنی خواسته می شود، نظر خود را به شکل صریح و واضح تحریر نمایند. از واژه هایی استفاده نکنند که شک و تردید را خلق نماید. زیرا آن چه را اهل خبره نظر می دهند متکی به علم و فن و آزمایشات دقیق است که در آن دروغ و احتمالات نادرست و جود نداشته باشد.در غیر مطابق حکم ماده ۴۵ قانون اجرات جزایی که ذیلاً بیان می دارد : "هر گاه معلومات ارائه شدهٔ اهل خبره نامکمل یا مبهم ثابت گردد و یا طرف قناعت ځارنوالی یا قاضی قرار نگیرد، نظر اهل خبره دیگر مطالبه می گردد."

طبق حکم ماده ۴۷۵ کود جزاء در مورد استنکاف از سوگند اهل خبره ذیلاً بیان می دارد که: "هرگاه شاهد ، اهل خبره یا ترجمان منظور اظهار حقیقت از طرف قاضی خواسته شود وبدون عذر شرعی وقانونی از سوگند قانونی امتناع ورزد، به جزای نقدی از بیست هزار تا شصت هزار افغانی، محکوم می گردد."

ادامه دارد...

قانون منع خشونت و مسوولیت ارگانهای...

خدیجه امیری یکی از اعضای موسسه ابتکار آزاد و مدنی برای صلح روز یک شنبه ۶ ثور ۱۳۹۴ در یک کنفرانس خبری در کابل گفت: "بگانه عامل کاهش بد دادن، تعلیم و تربیه و بلند رفتن سطح آگاهی مردم است، زیرا مردم آگاهی بیشتر یافته و می‌داند که بد دادن غیرقانونی است."

مسولان این موسسه می گویند با آن که "بد دادن" کاهش یافته اما هنوز این رسم در بین مردم رواج دارد. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که دختران زیر سن قربانی این رسم می‌شود.

اعضای این موسسه تأکید کردند، رسم "بد دادن" دخترانی را که قربانی می کند که هیچ نقشی در قضایا ندارند و مجرم نیستند اما به خاطر جرمی که دیگران انجام داده‌اند، دختران قربانی می‌شوند.

خانم امیری گفت موسسه ابتکار آزاد و مدنی برای صلح در کنار تحقیق، مردم به خصوص زنان را نسبت به رسم بد دادن آگاهی داده‌اند: "فرهنگ اعتراض برای زنان در برابر رسم "بد دادن" برای زنان آموزش داده شده است. برای آن‌ها تفهیم شده که براساس قوانین و ارزش‌های دینی زنان هیچ مکلفیتی برای پذیرش این رسم ندارند."

یافته‌های این تحقیق نشان‌می‌دهد که نهادهای رسمی عدلی و قضایی در چنین فیصله هایی نقش کمتری دارند زیرا این نهادها کوشش می کنند که این قضایا را به شورا های محلی و غیررسمی محول کنند.

مسئولان این موسسه می گویند وقتی قضایای قتل به شوراهای محلی که متشکل از متنفذین و ملا امامان است، محول می‌شود، آن‌ها فیصله می کنند که برای خاموش کردن قضیه میان دو طرف، دختری به "بد" داده شود. این موسسه تأکید کرد که موسفیدان و ملاامام ها بجای قربانی کردن دختران، برای کاهش "بد دادن" باید با این پدیده شوم مقابله نموده و راه های بیرون رفت از این معضل را در یابند.

خدیجه امیری گفت: "نتایج تحقیقات نشان می‌دهد بالاخص آنانی که مسئولیت اامت در مساجد را دارند، می توانند برای کاهش رسم بد دادن مبارزه کنند و با پند و اندرز مردم را تشویق کنند که دیگر این رسم را تکرار نکنند."

خرید و فروش دختران به بهانه ازدواج:

در قران کریم معامله و خرید و فروش زنان را منع قرار داده است به طور مثال در سوره النساء آیه ۱۹ خداوند متعال می فرماید:” ای کسانی که ایمان آوردید برای شما حلال نیست که زنان را به اکراه ارث برید مگر آنکه مرتکب زشتکاری شوند و با آنها بشایستگی رفتار کنید...”

فروش و یا خریداری زن به منظور یا بهانه ازدواج عمل جرمی شمرده می شود. زیرا زن با در نظر داشت آیه شریفه و لقدکرامنا بنی آدم در سوره اسراء آیه ۷۰ خداوند (ج) می فرماید: و به راستی ما فرزندان آدم را گرامی داشتیم.

در کلمه انسان اگر تعمق صورت بگیرد بر زن و مرد اطلاق می شود و زمانیکه خداوند انسان را اشرف مخلوقات افرید و با خلق نمودن انسان مباهات نمود و وی را مسجود ملایک قرار داد.

پس جواز ندارد که با انسان به عنوان جنس زن منحیت متاع و یا مال رفتار شده و مورد خرید و فروش و معامله قرار گیرد. واقعا زشت و ناپسند است توهین انسان که خداوند اور ا گرامی داشته است.

ولی متأسفانه در برخی از نقاط کشور ما مشاهده می شود که زنان به فروش می رود طی تحقیقات که انجام شده است مدافعین حقوق بشر در ولایت ننگرهار در شرق افغانستان تشویش خویش را از نوع رسم و رواج خرید و فروش زنان در مناطق شرقی افغانستان ابراز نموده اند. مطابق به گزارشات آنها در این مناطق زنان توسط خویشاوندان و شوهران شان به فروش رسانیده میشوند. حتی زنان که قبلاً ازدواج نموده اند توسط خویشاوندان و شوهران شان به فروش میرسند.

بی بی زیور یکی از قربانیان این رسم و رواج بوده و از بیان داستان خویش احساس شرم وخجالت مینماید. بی بی زیور از باشنده گان قریه شینوار میباشد که توسط شوهر دوش به فروش رسیده بود.

بی بی زیور میگوید که وی از شوهر اولی اش سه طفل داشت و بعد از مرگ وی با برادر شوهرش مطابق به رسم ورواج عروسی نمود و شوهر دومی اش وی را به یک مرد پاکستانی در آن طرف سرحد به فروش رسانید. وی میگوید وقتی که وی به فروش رسیده بود ۴۰ سال عمر داشت و در مقابل ۱۲۰۰۰۰ کلدار پاکستانی به فروش رسیده بود. کلدار پاکستانی تقریباً پول رایج در مناطق شرقی افغانستان میباشد که مطابق به نرخ تبدیل ی امروز ۱۲۰۰۰۰کلدار پاکستانی تقریباً ۱۳۰۰ دالر امریکایی میگردد.

بی بی زیور میگوید مرد پاکستانی که وی را خریداری نموده بود در یکی از مناطق دور دست پاکستان زنده گی مینمود و برای وی ممکن نبود که دوباره به قریه اش برگردد و ناچار ۱۷ سال با وی زنده گی نمود و وقتی که وی پیر و سالمند گردید از طرف شوهرش یعنی مرد که وی را خریداری نموده بود رانده شد. حالا او میگوید که من روی ندارم که دوباره به قریه و پیش خویشاوندانم برگردم زیرا

من فروخته شده ام و این یک نام شرم آور برای من است.

اینسه عمرانی رییسۀ امور زنان ولایت ننگرهار میگوید که وی در ربع اول سال جاری با ۵ قضیه مشابه روبرو شده است و در حدود ۴۰ شکایت در این زمینه دریافت نموده است.

وی میگوید “ چند روز قبل ما به قضیه ی برخوردیم که یک زن جوان عروسی شده بخاطر جمع آوری چوب سوخت بیرون از خانه رفته بود و این زن در حال جمع آوری چوب بوده که برادرش نزد وی آمده و برایش خیر میدهد که او را فروخته است و او باید با کسی که وی را خریداری نموده برود. این زن عذر والتماس مینماید تا وی را بگذارد که یکبار به خانه رفته و به طفلش شیر بدهد اما برادرش به وی میگوید که تو برای اینکار وقت نداری تو یکجا با چوب های که جمع آوری کرده ات فروخته شده ای. رفیع الله بیدار مسوول کمیسیون مستقل حقوق بشر درولایت ننگرهار میگوید “ اینکار یک فاجعه بزرگ برای آن عده از اطفال است که بعد از فروش زنان با فامیل پدر شان باقی میمانند.

مانند بی بی زیور زنان به جاهای دور به فروش میرسند و برای آنها نا ممکن میباشد که دوباره به خانه و کاشانه ی شان برگردند. قیمت ها دربین ۵۰۰۰۰۰کلدار پاکستانی الی ۲۰۰۰۰۰کلدار پاکستانی یعنی از ۵۳۰ تا ۲۲۰۰ دالر امریکایی معامله میشوند.

خرید و فروش زنان افغان در ولایت ننگرهار افغانستان به یک امر عادی تبدیل شده است و در هر روز دو زن در این منطقه به فروش می رسد.

با توجه به صراحت ماده ۲۴ قانون منع خشوت علیه زن، باید یادآور شویم که مرتکبین این عمل هر که باشد بوسیله حکم این ماده مجازات می شود : " شخصی که زن را به منظور یا بهانه ازدواج به فروش رساند یا خریداری را در انها وساطت نماید،حسب احوال به حبس طویل که از ده سال بیشتر نباشد محکوم می گردد.

خشونت های جنسیتی:

تجاوز جنسی:

تجاوز جنسی در فقره ۳ ماده (۳) قانون منع خشونت علیه زن چنین تعریف شده است:

" ارتکاب فعل زنا یا لواط با زن بالغ توام با اجبار واکراه یا ارتکاب آن با زن نا بالغ ویا تجاوز برعفت وناموس زن است ."

قبل ازاینکه در رابطه به تجاوز جنسی از دیدگاه قانون منع خشونت علیه زن بحث را ادامه دهیم، لازم است تا فرق که بین زنا وتجاوز جنسی وجود دارد شرح نموده بعداً مجازات آنهارا از دیدگاه شریعت، کود جزاءوقانون منع خشونت علیه زن خواهیم دید.

۱ - جرم زنا:

تعریف جرم زنا ازنظرفقه حنفی:

از دیدگاه مذهب حنفی (ج) زناعبارت است از عمل جنسی مرد وزنی که بین شان رابطه نکاح یا شبه آن موجود نباشد. (شرح فتح القدیر ج – ۴ – ص ۱۲۸.)

مجازات شرعی جرم زنا:

در جرم زن دو حالت مد نظر گرفته میشود.

اول:شخصیکه محصین(متأهل) می باشد.

دوم: شخص غیر محصین (مجرد) است.

شرط احصان:

۱ - محصین کسی را گفته می توانیم که باساس ازدواج صحیح با زوجه خویش بالفعل عمل جنسی را انجام داده باشد.

۲ - شخص عاقل وبالغ باشد.

۳ - مسلمان باشد.

۴ - عقیف باشد یعنی بزنا مشهور نشده باشد.

هرگاه شخص با موجودیت شرایط فوق ، زنا نماید و زنا او توسط چهار نفر شاهد عاقل، بالغ ومسلمان وعادل که عمل زنا را به تمام معنی به چشم خود دیده باشد. (المکمل فی المحکله) مانند سوره جوب در سوره دان، مجازات آن سنگسار است. و مجازات غیر محصین مطابق هدایت کلام الله مجید صد دره است (یعنی کسیکه شرایط چهارگانه فوق را نداشته باشد غیر محصین است.)

علماء دین علاوه از شرایط فوق الذکر بعضی شرایط دیگر را نیز ذکر کرده اند که :

۱- جرم زنا در حالت اختیاری صورت گرفته باشد:اگر زنا در نتیجه اکراه ارتکاب شده باشد، از نظر جمهور فقهاء برمکزه (شخصیکه بر انجام عمل زنا مجبور ساخته شده است) حد زنا نیست، ولی از نظر امام احمد حد زنا بروی تطبیق میشود. اما اگر زنی بر انجام عمل زنا مجبور ساخته شد و یا مورد تجاوز جنسی قرار گرفت، به اتفاق فقهاء عقوبت حد زنا بروی قابل اجراء نخواهد بود.

۲- مزنیۀ باید انسان باشد: پس اگر جانب مقابل حیوان باشد، در این صورت به اتفاق فقهاء بر وطی کننده حد زنا تطبیق نمیشود، ولی مورد مجازات تعزیری قرار خواهد گرفت حیوان مورد تجاوز از نظر جمهور فقهاء به قتل رسانده نشود و خوردن گوشت آن نیز هیچ گونه اشکالی ندارد، ولی از نظر فقهای حنبلی باید حیوان مذکور به قتل رسانده شود و از گوشت آن نیز استفاده صورت گرفته نمیتواند و جانی باید ضمانت آن را به مالکش بپردازد

۳- زانی و مزنیه باید استعداد زنا کردن را داشته

مسؤولیت ارگانهای...

باشند: اگر هیچ کدام از زانی و یا مزنیه، یا یکی از آنها استعداد آن را نداشته باشد، مانند اینکه زانی و مزنیه هر دو و یا یکی از آنها خورد سال باشند، از نظر فقها حنفی عقوبت زنا تطبیق نمیشود . اما از نظر جمهور فقهاء اگر کسی با دختر خورد سال غیر مکلف وطی کند، عقوبت حد زنا بروی قابل اجراء میباشد

۴- وطی باید در اثر شبهه نباشد: پس اگر وطی در اثر شبهه باشد حد ساقط خواهد گردید، در اینجا بخاطر روشن شدن موضوع باید نخست شبهه را بیان نماییم:

الف- معنای شبهه: شبهه عبارت است از آنچه به نظر انسان مدلل و ثابت معلوم میشود، ولی در واقع و نفس الامر مدلل و ثابت نمیباشد.

مجازات زنا از دیدگاه کود جزا:

کود جزا در ماده ۶۲۴ در مورد تجاوز جنسی و مجازات جرم زنا چنین صراحت داده است:

"(۱) شخصیکه با جبر یا سایر وسایل ارباع آمیز یا تهدید یا با استفاده از ناتوانی جسمی یا روانی مجنی علیه یا ناتوانی ابراز رضایت مجنی علیه اعم اززن یا مرد خورائیدن دوی بیهوش کننده یا سایر وسایل زایل کننده عقل به وی عمل مقاربت جنسی را انجام دهد یا در قبل و دبر وی داخل نماید مرتکب تجاوز جنسی شناخته می شود.

(۲) هر گاه در جرم تجاوز جنسی شرایط تطبیق جزای حد موجود نگردد یا به علت شبهه و یا یکی از اسباب دیگر حد ساقط گردد مرتکب مطابق احکام این فصل مجازات می گردد.

مجازات تجاوز جنسی از نظر کود جزا:

ماده ۶۳۷ کو د جزادزمینه ذیلا صراحت دارد: مرتکب جرم تجاوز جنسی به حبس طویل محکوم می گردد.

حالات مشدده در جرم تجاوز جنسی:

ماده ۶۳۹ در کود جزاء چنین صراحت دارد:

(۱) ارتکاب جرم تجاوز جنسی در حالات ذیل مشدده شناخته شده

مرتکب به مجازات حبس دوام درجه۲ محکوم می گردد:

۱- مجنی علیه طفل باشد.

۲- مرتکب با ارتکاب عمل جنسی باعث اسقاط جنین شده باشد.

۳- مرتکب به نحوی بالای مجنی علیه نفوذ و اختیار داشته باشد.

۴- مجنی علیه بر اثر عمل تجاوز جنسی حامله شده باشد.

۵- عمل تجاوز جنسی سبب ایجاد مجروحیت یا صدمه شدید روحی به مجنی علیه گردیده باشد.

۶- عمل تجاوز جنسی منجر به امراض مقاربت جنسی گردیده باشد.

۷- مجنی علیه ا ز جمله محارم دایمی یا موقتی متجاوز باشد.

۸- هر گاه در نتیجه تجاوز جنسی مجنی علیه فوت نماید مرتکب به اعدام محکوم می گردد.

فرق تجاوز جنسی وزنا :

فرق تجاوز جنسی با زنا اینست که اجرای عمل مقاربت در زنا بین مرد وزنیکه شرعاً بریکدیگر حرام هستند صورت می گیرد.اما تجاوز جنسی اینست که عمل مقاربت جنسی از طرف مرد بالای زن به شکل جری وبدون رضایت زن به اکراه وتهدید واستفاده از زور عملی می گردد.

تعریف دیگری تجاوز جنسی :

تجاوز جنسی را در زبان عربی "اغصاب " می نامند (اغصاب از کلمه غصب گرفته شده است .

غصب در لغت گرفتن چیزی را به عنف وزور می گویند ، گفته می شود : "غصب فلاناً علی الشی " یعنی فلان شخص را به کاری مجبور نمود . در مرور زمان به شکل مجازی بالای مقاربت جنسی به عنف ونا مشروع اطلاق گردید . بنأ تجاوز جنسی عبارت است از مقاربت جنسی نا مشروع تحت اثر جبر واکراه چه از راه فرج باشد یا دبر .

در مورد جزای تجاوز جنسی دو دید گاه وجود دارد :

الف - دید گاه اول اینست که جزای تجاوز جنسی همانا جزای زنا است . یعنی برای محصین سنگسار وبرای غیر محصین صد دره .

- اکثر مذاهب اسلامی منجمله احناف تجاوز جنسی را نوعی از انواع زن یا لواط خوانده اند ، زیرا از نظر آنها احکام خاص ومجازات ویژه ای برای مرتکبین تجاوز جنسی در شریعت اسلامی پیشبینی نشده است . البته در بخش مجازات مکزه (شخصیکه جبرآ به جرم زنا کشافته شده است) تفاوت وجود دارد . چون در جرایم زنا ویا لواط طرفین مستحق جزا می شوند ، اما در جرایم تجاوز جنسی قضیه فرق می کند :

- هرگاه مکزه زن باشد ، به اتفاق علماء تنها مرد متجاوز مجازات می شود . اما زن از مجازات معاف می گردد.

- نظر امام ابو یوسف اینست که اکراه وجبر به زنا مسئولیت شخص مکزه را مرفوع میسازد چه زن باشد یا مرد.

ب - برخی از علما تجاوز جنسی را تحت حکم حرابه داخل نموده اند وجزای حرابه را بالایش تطبیق می نمایند که اکثراً در عربستان سعودی

مسؤولیت ارگانهای...

قضاوت به همین اساس پیش می رود .هیآ ت کبار علمای عربستان دیدگاه شان را به اساس فتوی شماره (۸۵) مورخ ۱۱ / ۱۱ / ۱۴۰۱ بیان نموده اند .

ماده هفدهم قانون منع خشونت علیه زن در فقره اول خویش تذکر داده که شخصیکه مرتکب تجاوز جنسی بر زن بالغ گردد یعنی زنی که در مرحله اول جوانی رسیده باشد تجاوز جنسی نماید به حبس دوام یعنی از ۱۶ الی ۲۰ سال حبس واگر در اثر این تجاوز مجنی علیها فوت نماید مرتکب به اعدام محکوم میگردد.

اعدام حالت است که بعد از تثبیت قطعی جرم واصدار حکم از طرف محکمه ثلاثه (ابتدائیه، استیناف وتمیز) مطابق هدایت ماده (۱۲۹) قانون اساسی بعد از منظوری رئیس جمهور بالای محکوم تطبیق میگردد.

در فقره ۲ ماده مذکور آمده که اگر شخصی مرتکب تجاوز جنسی برزن نا بالغ گردد یعنی زنیکه در مرحله جوانی وبلوغیت نرسیده باشد مرتکب به حد اکثر حبس دوام یعنی بیست سال حبس و در صورت فوت مجنی علیها یعنی اگر همین دختر یا زن نا بالغ فوت گردد مرتکب به اعدام محکوم میگردد.

همچنان در فقره ۳ ماده مذکور حالت مشدده را در نظر گرفته که مطابق صراحت ماده مذکور در هردو حالت فوق الذکر مرتکب باید مهر مثل را به حسب جبران خساره به مجنی علیه بپردازد.

بدین ترتیب در فقره ۴ ماده هفدهم قانون منع خشونت علیه زن تذکر داده شده که اگر شخصی مرتکب تجاوز به عفت وناموس زن گردد، ولی تجاوز وی منجر به فعل زنا یا لواط نگردد (تفخیز، محاسقه) یا امثال آن را مرتکب گردد حسب احوال به حبس طویل که از هفت سال بیشتر نباشد محکوم میگردد.

در فقره ۵ ماده مذ بور اضافه گردیده که اگر مجنی علیها مندرج فقره (۴) یعنی کسیکه تجاوز به عفت وناموس اش صورت گرفته اما منجر به لواط یا زنا نشده واین مجنی علیه سن (۱۸) سالگی را تکمیل نکرده باشد ومرتکب از جمله اقارب تا درجه سوم، مربی، مستخدم یا طبیب مجنی علیها یا به نحوی بالای مجنی علیها نفوذ داشته باشد.حسب احوال به حبس طویل که از ده سال بیشتر نباشد محکوم میگردد.

مجبور نمودن به فحشاء :

مجبور نمودن به فحشاء عبارت است از اجبار زن به انجام عمل زنا یا لواط به شکل مکرر با مردان بدون تمیز چه کسب مادی در پی داشته باشد یا خیر.

ماده هجدهم قانون منع خشونت علیه زن در زمینه چنین تصریح نموده است :

"(۱) – شخصی که زن بالغ را مجبور به فحشاء نماید، حسب احوال به حبس طویل که از هفت سال کمتر نباشد، محکوم می گردد.

۲ – هر گاه مجنی علیهای جرم مندرج فقره (۱) این ماده زن نا بالغ باشد، مرتکب حسب احوال به حبس طویل که از ده سال کمتر نباشد، محکوم میگردد.

ضبط وثبت هویت مجنی علیها ونشر آن:

هویت ، مجنی علیها وضبط وثبت سه کلمه قابل توضیح در ماده مذکور است که غرض روشن شدن معنی ومفهوم هرسه کلمه باید قبل از همه تشریح شوند.

هویت:یک سلسله خصوصیات(افکار،باورها وایده ها) است که یک انسان را از انسان دیگر تفکیک می کند و باعث شناخت وی میگردد.

مجنی علیها:

زن است که از اثر ارتکاب جرم به وی صدمه جسمی، مادی یا معنوی رسیده باشد.

ضبط وثبت: این دو کلمه در اینجا به گونه مترادف استعمال شده است که مفهوم آنها تسجیل می باشد. تسجیل هویت انواع گوناگون را بخود گرفته می تواند:

- ثبت صدا .

- ثبت سیما چه به شکل فلم باشد ویا بشکل تصویر.

ماده نزدهم قانون منع خشونت علیه زن تذکردهاده است . شخصیکه مجنی علیهای جرایم تجاوز جنسی واجبار به فحشا را ضبط وثبت نموده بدون حکم قانون افشا کند ویا تصاویر آن را نشر نماید به نحویکه به شخصیت وی صدمه رساند، حسب احوال به حبس متوسط که از سه سال کمتر نباشد، محکوم می گردد.

آنچه قابل تبصره میا شد اینست که ماده مذکور در تطابق با کلام الله مجید وحديث پیغمبر اکرم است چنانچه قرآنکریم در باره جلوگیری از پخش ونشر موضوعات فحشاً ومسایل مشابه آن در سوره النور آیه ۱۹ چنین می فرماید:

" ان الذین یحبون آن تشیع الفاحشة فی الذین آمنو لهم عذاب الیم فی الدنیا والاخره "

ترجمه:هر آئینه آنان که دوست می دارندعمل فحشاً ومنکر در میان مسلمین اشاعه یابد بر ایشان عقوبت درد دهنده در دنیا وآخرت باشد.

یا حدیث پیغمبر اکرم است که می فرماید:" من سترمسلماً ستره الله یوم القیامه "

ترجمه:کسیکه عیب مسلمانی را بپوشاند الله تعالی عیب اورا در روز قیامت می پوشاند.

ادامه دارد...

مجازات‌...

۱) - مرتکب قتل عمد در یکی از حالات ذیل به اعدام یا حبس دوام درجه ۱ محکوم میگردد. (حبس دوام درجه ۱ عبارت از حبس است که بیش از بیست تا سی سال مییاشد).

۱- در حالتی که قتل با برنامه ریزی قبلی وتر صد همراه باشد.

توضیح : در صورتیکه قتل با اصرار قبلی وترصد توام باشد، قتل با حالت مشدده گفته میشود.

اصرار قبلی عبارت از نقشه طرح شده قبلی است که هدف آن توطیه برعلیه شخص معین مییاشد . ازینرو اصرار قبلی یک تصمیم قبلی است که روی آن فکر شده است . مدت را که جانی روی آن فکر کرده وعملی را که انجام داده مهم نیست فقط کافی است که روی اجرای عمل فکر صورت گرفته باشد.

ترصد یا کمین گرفتن عبارت است از انتظار کشیدن دریک محل تا شخص مورد نظر را برسیدن در آن محل از بین ببرد ، بدین ترتیب ترصد هم ایجاب تفکر قبلی را مینماید ویکی از انواع تظاهر خارجی تفکر قبلی است .

۲ - در حالتی که قتل با استعمال مواد سمی کشنده یا مواد انفجاری یا حریق صورت گرفته باشد .

۳ - در حالتی که قتل با انگیزه دنی یا در برابر اجرت ویا با شکنجه وآزار واذیت صورت گرفته باشد.

۴ - در حالتی که مقتول موظف خدمات عامه بوده و قتل در اثانی اجرای خدمت یا در ارتباط به آن صورت گرفته باشد.

توضیح - این فقره موضوع را بحث کرده است که به صفت وهویت شخص ارتباط دارد چنانچه از موظف خدمات عامه تذکر داده که این خود حالت مشدده را نشان میدهد به این معنی که اگر موظف خدمات عامه وظیفه را انجام میدهد که جزء وظیفه اش است وبقتل میرسد مجرم ویا قاتل به اشد مجازات محکوم می گردد.

۵ - در حالتی که قاتل قصد قتل بیش از یک نفر را داشته وبه اثر یک عمل همه آنها به قتل رسیده باشند.

۶ - در حالتی که قتل توام با جنایت یا جنحه عمدی دیگری صورت گرفته باشد.

توضیح - شخصی میخواهد مرتکب جرم قتل شود یعنی کسی را که با وی خصومت دارد میخواهد از بین ببرد برای رسیدن به این هدف مرتکب جرم دیگری مانند مجروح ساختن یا بیهوش ساختن محافظ دهن دروازه اش میشود، تا بتواند بعد از رفع موانع داخل خانه شده دست به قتل بزند.

۷ - در حالتی که قاتل به حبس دوام درجه ۱ محکوم شده ، در خلال مدت تنفیذ حکم مرتکب قتل عمد دیگر گردیده باشد.

توضیح - شخصی قتل را انجام میدهد واز طرف محکمه به حبس دوام درجه ۱ محکوم میشود یعنی بین بیست تا سی سال بندی میشود .در جریان سپری کردن حبس دست به قتل دیگری می زند، درینصورت باید عمل مجرم مشدده دانسته شده مرتکب به اعدام محکوم گردد.

۸ - در حالتی که قاتل بعد از قتل، جسد را مثله نماید. (یعنی جسد را بعد از قتل پارچه ، پارچه می کند) .

۹ - در حالتی که مقتول از اصول قاتل باشد. (یعنی مقتول پدر و پدر کلان یا مادر ومادر کلان قاتل باشد) .

۱۰ - در حالتی که قتل بمنظور تهفید یا تسهیل ویا قادر شدن به ارتکاب جنایت یا جنحه که جزای آن کمتر از یکسال حبس نباشد ویا بمنظور فرار یا رهایی از جزا صورت گرفته باشد.

توضیح - غرض از تهفید گسترانیدن وغرض از تسهیل سهولت آوردن است تا با به کار گیری ازین شیوه ورویش دست به جنایت دیگری بزند.

(۲) - مرتکب قتل عمد در غیر از حالات مندرج فقره ۱) این ماده ، به حبس دوام درجه ۲ محکوم میگردد . (حبس دوام درجه ۲ عبارت از حبس است که مدت آن بیش از شانزده سال تا بیست سال مییاشد) .

در اخیر گفته میشود که جزای پیش بینی شده در کود جزاء در رابطه به جرم قتل که اعدام وحبس دوام درجه ۱ ودرجه ۲ مییاشد، دقیق بوده قانون گذار سعی کرده تا با درنظرداشت حالات مشدده ومخففه قاضی بتواند حکم خویش را در همین محدوده که قبلاً ذکر شد صادر نماید.

منابع وما خذ :

قران کریم .

کود جزاء .

جپتر نوت حقوقی جرایم ومجازات - دانشکده حقوق وعلوم سیاسی - پوهنتون کابل .

سال دوازدهم

شماره ۱۷۸

۳۱ حمل ۱۳۹۷

شروط و قیود تعدد ...

۲. اسباب خاص:اسباب خاص تعددزوجات زیاد است منجمله:

• عقیم بودن زن ویابیماربودن وی ویاعدم توافق طبیعت آن باطبیعت شوهرش.

احیاناً زن عقیم است که اولاد بدنیا نمی آورد ویا به بیماری مبتلا است که شوهر از آن نفرت می کند ورغبت شوهر نسبت به آن کاسته میشود ویا طبیعت زن با طبیعت شوهر سازگار نمی باشد پس درچنین حالت بهتر وافضل آن است که زن درخانه شوهر خود باقی بماند وبه آن اجازه وفرصت ازدواج به زن دوم را بدهد تا خواسته های که مرد نسبت به داشتن فرزند دارد متحقق شود.

هرگاه مرد عدالت را مراعات کند میان همسران خود و مساوات را بین فرزندان خود در تعلیم وتربیه ونفقه برقرار سازد وتعین کند حدی را برای هر همسر خود وازآن حد تجاوزنکند، پس جای برای فتنه ، بدی وبغض دربین افراد خانواده باقی نمی ماند واین خیر بزرگی است برای مرد.

• بد دیدن مرد زن خود را

گاهی نزاع فامیلی پیدا میشود میان مرد واقارب زن ویا میان مرد وخود همسر وایجاد تفرقه می شود، زن وشوهردرمقابل یکدیگر موقف گیری می کنند ، درچنین حالت دوره وجود دارد.

اول : جدائی نهایی که زن تا ابد جگرخون ونا راحت باشد .

دوم : صبر،ازطرف مرد ، که تقاضای اخلاق ، وفاء ،حکمت وعقل را می کند.

وبدون شک اختیار راه دوم که باقی ماندن همسر درسایه زندگی زناشویی با وجود همسر دیگر خوبتر وبهتر است از طلاق : (ابغض الحلال الی الله).

نظر امام غزالی درمورد تعدد زوجات:

دراینجا یادآوری دیدگاه امام محمد غزالی رحمه الله درارتباط با تعدد زوجات ومشروع بودن آن دررابطه با نیازهای جنسی و... نباید فراموش کنیم .

امام غزالی می فرماید : ((طبیعت برخی از مردان به گونه است که دارای نیروی جنسی بسیاری هستند ، ویک همسر نیاز آنها را برآورده نمی سازد. برای چنین اشخاصی اختیار همسرانی دیگر مستحب است ، وچنانچه زمینه عشق ومحبت وبرآورده شدن نیاز جنسی آنان فراهم شد به همان تعداد کفایت نمایند ، درغیر این صورت مستحب است که تا چهارهمسر را به نکاح خود درآورند.)) برهمین اساس بوده که بسیاری از اصحاب دارای همسران متعددی بوده وکمتر کسی درمیان ایشان وجود داشته که دارای دوهمسر نبوده باشد.

امام محمد غزالی درادامه می فرماید: ((به هراندازه که انگیزه وعامل معلوم باشد ، لازم است راه حل به همان اندازه، علت وسبب باشد ، زیرا هدف ازآن رفع نیاز طبیعی است وبراین اساس به کثرت وقلت همسران نگاه می شود.))امام غزالی می خواهد بگوید که : تعدد همسر به خاطر محافظت انسان ازگناه ومصئونیت در مقابل کششهای جنسی شرعاً کارمطلوبی است، به شرطی که شخص مورد نظر از هر جهت درمورد مراعات عدالت میان همسران خود مطمئن باشد . همچنین به این موضوع اشاره می نماید : آنها یی که تنها به خاطر تغیر ذائقه وتنوع

وبدون نیاز به مصئونیت نفس خود ازارتکاب معاصی اقدام به ازدواج های متعدد می نمایند وچندین همسر را به نکاح خود درمی آورند، کارشان از نظر شرعی وآداب واخلاق دینی مردود وغیر قابل قبول است .

آراءونظریات فقها ودانشمندان جدید (معاصر) :

علما ودانشمندان معاصر درمورد تعدد زوجات به سه گروه تقسیم می شوند ، اینک آراء ونظریات هرکدام آنها را با دلایلشان درسه میحث جداگانه ذکر ومورد بحث وبر رسی قرار می دهیم .

تعدد زوجات تنها درحالت ضرورت :

برخی از علماء ونویسندگان معاصر می گویند اصولاً تعدد زوجات به خاطر ضرورت ونیاز وعوامل مختلف این نیاز جائزاست . اما درحالت عادی بنا به مصلحت خانواده با آن مخالفت کرده اند ومی گویند :

«این کار عادتی است بد ، امیر مسلمین می تواند آن را منع کند ومردم را به عدم انجام آن تشویق نماید وبجز به وقت ضرورت مانند. عقیم بودن همسر اولی یا مبتلا بودن به بیماری لا علاج ، جائز نیست ، شیخ محمد عبده ، از متفکران جدید براین رأی است »

همان گونه که بعضی از قانون گذاران دولت های عربی راه شیخ محمد عبده یا راه قریب بدان را پیش گرفته اند ، ازجمله قانون گذار تونسی تعدد را منع کرده ومرتکب آن را مستوجب مجازات می داند ، درحالیکه قانون گذار سوری ، عراقی ، مغربی ومصری آن را منوط به اجازه قاضی میدانند .

دلایل شیخ محمد عبده وهم فکرائش:

الف) شرط تعدد زوجات تحقق عدالت درمیان آنان است واکنون این شرط قطعاً مفقود است واگر تحقق یابد یک در ملیون است ، پس نمی تواند به صورت قاعده در آید وزمانی که فساد بر نفوس مردم چیره شود وبه نظر رسد که مردان عدالت را مراعات نمی کنند ، جایزاست که حاکم یا عالم تعدد را منع کند وبه مراعات حال جمع نظر داشته باشد .

ب) غالباًمردان با زنانشان به هنگام تعدد زوجات بد رفتارند ونفقه وآسایش آنان را مراعات نمی کنند. ج) انتشار فساد ودشمنی درمیان فرزندان انباغها . چون انباغها باهم دشمنی دارند این گراحت ودشمنی به فرزندان نیزسرایت می کند واین نزاع ادامه خواهد یافت تا این که مرد خانه خود را به دست خود خراب می کند ، لذا برای حاکم یا ولی امر مسلمانان جایز است که از تعدد زوجات جلوگیری کند تا فساد را از خانواده ها دور نماید.

د) کسی منکر آن نیست که دین برای مصلحت وخیر مردم آمده است ویکی از اصول مسلم در اسلام منع ضرر رسانی وضرر پذیری است ، زیرا درحدیث آمده که : ((لاضرر ولا ضرار)).

خلاصه سخن شیخ محمد المدنی :

آیه تعدد زوجات ، درسیاق سخن ازمسایل متعلق به احکام دختران یتیمه است که مال وجانشان محفوظ باشد وملعبه قرار نگیرند که ارشان راندهند یامانع ازدواجشان با غیر شوند ، یا این که وصیشان آنان را بدون پرداخت مهریه از خود نکاح کند . اسلام آمده است که از طریق تعدد زوجات اوضاعشان را بهتر کند ، ولیکن مشکل دیگری پیش آمده است وآن این است که چگونه ممکن

است وصی های دختران یتیمه درهر چیزی قسط وعدالت را برپای دارند. لذا مردان از این که ولایت وسرپرستی یتیمان را به عهده بگیرند ، پرهیز می نمودند برای مراعات حالشان با آنان اختلاط وهمنشینی کنند ، درحالی که ممکن بود که این یتیمان دختران جوان باشند ومادرانشان بیوه های باشند که هنوز جوانند وصلاحیت ازدواج دارند ، پس مخالطت وهمنشینی با آنان در این اوضاع واحوال خالی از عواقب بد نبود وممکن بود که طرفین ، خواه وصی یا دختران یتیمه یا مادرانشان دچار فتنه وآشوب شوند واز طرف دیگرمسلمان باید نه فتنه انگیز باشد ونه در دام فتنه افتد ، لذا اسلام آمد با تجویز تعدد زوجات آنان را از این تنگنا بیرون آورد .

آن وقت معنی چنین می شود : هرگاه بیم آن داشتید که دربارهٔ کار یتیمان نتوانید دادگری کنید واز دخالت در کارشان وهمنشینی با آنان بیم داشتید که چهار گناه بزرگ شوید ، درچنین اوضاع واحوالی خداوند برای مرد مباح کرده است که بیش از یک همسر داشته باشد ، پس می تواند با یکی از دختران یتیمه تحت سرپرستی خود یا مادرانشان ازدواج نماید با خود وغیر خود را از عوامل شر وفتنه محفوظ ومصئون دارد وآن وقت مقصود از : « فانكحوا ما طاب لكم من النساء » نکاح بادختران یتیمه است ومقصود از «مثنی وثلاث ورباع » آن است که اگر یک یتیمه را به همسر قبلی اضافه کند دوهمسر خواهد داشت واگر دویتیمه را به همسر قبلی اضافه کند ، سه همسر خواهد داشت واگر سه یتیمه را به همسر خود اضافه کند چهار همسر خواهد داشت .

شیخ مدنی درادامه می افزاید که تعدد زوجات تنها برای حل مشکل مالی وازدواج یتیمان است وبرای حل این ضرورت است که مبادا عدالت درباره آنان مراعات نشود وچون قیاس یکی از اصول تشریع اسلامی است ، پس هرگاه حالت مشابهی پیش آمد که ضرورت مقتضی تعدد زوجات بود ومرد اطمینان داشت که مراعات عدالت می کند ومرتکب ظلم وجور نمی شود درآن حالت مانعی از تعدد زوجات نمی باشد .

منع تعدد زوجات بطورمطلق:

گروه دیگر از علماء ومتفکران معاصر ، تعدد زوجات را یک عادت بد جاهلی همانند شرابخوری می دانند که اسلام برابر سیاست تدریجی خود با آن مبارزه کرد ولیکن آنان نمی گویند که تعدد زوجات حرام است ، بلکه به منع آن به صورت مطلق دعوت می کنند .

جواز تعدد زوجات به طور مقید :

گروه بزرگی از علما ومتفکران اسلامی وفقهای بزرگ اسلامی که آنان را پذیرفته است تعدد زوجات را تأیید کرده وآن را با قیود وشروط مباح می دانند وازجمله قید وشروط مراعات عدالت وقدرت نفقه را درنظر گرفته اند ، مشروط برآن که این تعدد مصلحت شخصی ، اجتماعی یا خانوادگی یا امثال آن را تحقق بخشد . این است حکمت تشریع الهی ؛ زیرا هر حکمی که خداوند(ج) تعین کند حتما مصلحت بندگان خدا درآن است وهر گاه آن مصلحت منتفی گردد، آن حکم نیز با انتفای آن منتفی می گردد .

ولیکن دکتر مصطفی سیاعی با ابوزهره وپارانش در باره شرط قدرت بر انفاق مخالفت کرده است که می گوید:

این شرط ممکن است جنبه قضایی داشته باشد ، چون قاضی می تواند با پرسش پیرامون قدرت مالی برآن تأکید نماید وهر گاه تشخیص داد که آن مرد قادر برنفقه دو زن وفرزندانش می باشد اجازه عقد دوم به وی دهد وگرنه اجازه ندهد .

ترجیح رای برتر :

ازخلال عرضه آراء مختلف وبررسی وباز بینی دلائل آنها چنین پیداست که رای سوم که تعدد زوجات را مقرون به شرط مراعات عدالت وقدرت بر انفاق وتحقق مصلحت، باقی وجایز می دانند ، همان گونه که علمای امت اسلامی فهمیده اند ونسل اندر نسل آن را به ارث برده اند، برای بسیاری از مشکلات اجتماعی خانواده مسلمان که قبلاً به برخی از آنها اشاره شد تنها راه حل سالم است .

اما ادعای جواز الغاء تعدد زوجات یا تفسیر آن به عنوان یکی از آثار باقیمانده عصر جاهلی که اسلام به تدریج در صدد الغاء آن بوده است ، یا تلاش برای الغای آن با استدلال به قرآن ویا منحصر کردن آن به دختران یتیمه با انگیزه ضرورت وقیاس حالات مشابه بر آن ، تمام این پندار ها از روح اسلام به دور است وهمچنین از فهم وتطبیق واجرای آن به وسیله پیامبر اکرم(ص) واصحاب وتابعین وامت اسلامی در تمام اعصار نیز به دور است بلکه این ادعا ها موجب تخطئه رسول اکرم(ص) واصحاب وتابعین وهمه امت اسلامی در ادوار بعدی می شود وتلاشی است جدی برای فرو ریختن یکی از پایه های اسلام ، به خاطر ارضاء غریبانی که روزی روزگاری بر امت اسلامی سیادت داشته اند به راستی این گونه افکار وادعاها به اعتبار این که از آثار باقیمانده تهاجم فکری واستعماری سرزمین های اسلامی است ، سزاوار آن است که برای همیشه به گور سپرده شود برعکس این ادعا ها، اغلب کشورهای اسلامی از کمبود جمعیت برای آبادانی وبهره گیری از ثروت های نهانی خود ، شکوه دارند . گذشته از آن برابر سرشماری سال ۱۹۶۰ درکشور اسلامی مصر آمار کسانی که از تعددوچند همسری استفاده کرده اند از ۴٪ نگذشته است .

اما ادعای این که تعدد زوجات سبب ولگردی وآوارگی می شود ، آمار دقیق اسباب وعوامل آوارگی را تکذیب می کند .

بنا براین بعضی از کشورهای اسلامی بر عکس آن نیازمند وجود قوانینی هستند که تعدد زوجات را تشویق کند وکسانی را که بر آن قادرند ومصلحتشان ایجاب می کند ، بدان کار برانگیزد ، مانند دولت های عربی خلیج فارس که ثروت ودارایی فراوان وجمعیت اندک دارند ، بلکه وظیفه دولت های اسلامی است که برای کسانی که در حدود مقررات شریعت اسلامی اقدام به تعدد زوجات می کنند، تسهیلات معیشتی وسکونتی قائل شوند وهمچنین برای فرزندانشان چون به هرحال ثروت کشورهای اسلامی هستند ، به ویژه که کشورهای کافر ودشمن هستند که از نظر جمعیت وتجهیزات بر آنان برتری کامل دارند ومعلوم است بهترین ومعقول ترین وسیله ای است که اسلام آن را برای رویاروی با این ظروف ومقتضیات وشرایط واحوال آن را مباح کرده است .

برنامه آگاهی دهی حقوقی درلیسه عالی زرغونه ناحیه دهم شهر کابل

گزارشگر: بشیر احمد عزیزی



انسان اعطا شده که مستلزم وی بوده هیچگاه از اوانفکاک نی یابد، به عباره دیگر" حقوق اساسی مجموعه ازاصول وقواعدی است که روابط دولت را بامردم ومردم را به دولت وهمچنان قوای ثلاثه دولتی (مقننه، مجریه، وقضایه) ارتباط قوای مذبوربا یکدیگروحدود وظایف، صلاحیت ومسئولیت هریک توسط قانون اساسی معین ومشخص می گردد.

به شرح وبیان آن می پردازد، مانند حق برخورداری ازمساوات وعدم تبعیض، حق زندگی، حق داشتن آزادی بیان، حق کرامت انسانی، حق برائت ذمه، حق داشتن وکیل مدافع، حق انتخاب کردن وانتخاب شدن وغیره که تمام این حقوق به مثابه حقوق بنیادی انسان به شمارمی رود، پس این حقوق را ازدولحاظ اساسی نامیده میتوانیم، یک این که این حقوق درقانون اساسی ذکراست، ودیگراینکه برای هرتبعه منحیث

(ی) کلمه اساسی (ی) نسبتی بوده که اساس را نسبت به حقوق یا قانون می دهد مانند اینکه می گوئیم حقوق اساسی ویا قانون اساسی، پس اساسی یعنی بنیادی واولیه باشد فلهدذا حقوق اساسی عبارت ازامتیاز، سلطه ویا صلاحیت های قانونی وطبیعی است که بصورت فشرده درقانون اساسی برای افراد جامعه پیشبینی شده است ودولت مکلف به رعایت آنها میباشد این حقوق شامل حقوق اجتماعی وسیاسی اتباع بوده که قانون اساسی

اعضای مدیریت مبلغین ساحوی ریاست عمومی مساعدت های حقوقی وزارت عدلیه غرض آگاهی دهی موضوعات حقوقی بتاریخ ۱۳۹۷/۱/۱۸ عازم لیسه عالی نسوان زرغونه واقع ناحیه دهم شهرکابل گردیدند. برنامه مذکوردرتالارآن لیسه دایرگردید، شاگردان اشتراک کننده شامل صنوف ۱۲و۱۱ میشدند که تعداد مجموعی آنها به ۶۵ تن می رسید. موضوعات که روی آن بحث گردید قرارذیل است. حقوق اساسی ووجایب اتباع، این قانون به مثابه وثیقه ملی، بارعایت احکام دین مبین اسلام، تحکیم وحدت ملی، تحقق اهداف دموکراسی، اعمارجامعه مدنی، رفاه همگانی اقتصادی، اجتماعی، سیاسی وفرهنگی مشعل راه دولت ومردم کشور گردیده؛ صلح، برابری وبرادری را بین ملت افغانستان نامین مینماید. وهمچنان این قانون تعیین کننده ومبین کلیه اصول، موازین وخطوط اساسی فعالیت های دولت، قوای ثلاثه، نوعیت رژیم سیاسی، ارگانهای سازنده دولت وحکومت وهمچنان حقوق ووجایب اتباع را درقبال آن بصورت کل دربرگرفته ومنحیث یک دستورکلی والزام آور برای دولت، اتباع، اجتماعات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی وفرهنگی می باشد. "واژه" اساسی " یک کلمه عربی بوده ودرلغت تهداب را گویند

مجازات قتل

تتبع و نگارش: فیض الله خواجه امانی

قتل فعل را گویند که در اثر آن حیات فرد از بین برود. که این عمل از دیدگاه شرع وقانون یک عمل ممنوع بوده، جزای دنیوی واخروی دارد که درین بحث علاوه از شرح جزای شرعی این جرم، جزای تعیین شده در کود جزاء رابه بحث خواهیم گرفت.

گرچند جرم قتل را فقها وعلمای حقوق به چندین دسته تقسیم کرده اند. تقسیمات دوگانه مانند قتل عمد وقتل خطاء تقسیمات سه گانه قتل عمد، شبه عمد و خطاء، تقسیمات چهار گانه مانند قتل عمد شبه عمد، خطاء وجاری مجری خطا وهمچنان تقسیمات پنجگانه مانند قتل عمد، شبه عمد، خطاء جاری مجری خطا وقتل بالسبب. دراینجا سعی میشود که بعد از تشریح مجازات شرعی جرم قتل، بیشتر روی مجازات آن نوع از قتل بحث را ادامه دهیم که در کود جزاء تذکر داده شده است.

حرمت شرعی جرم قتل

قتل عمدی در شریعت از جمله گناهان کبیره بوده در بعضی موارد بعد از جرم شریک آوردن بخدا وند (ج) ذکر شده است چنانچه در سوره فرقان آیه ۶۸ میفرماید:

ترجمه: کسانی که نمی خوانند شریک بخدا وند و نمی کشند نفسی را که حرام گردانیده خداوند، مگر بحق ومرتکب زنا نمی شوند."

ویا در جای دیگری میفرماید: کسانی که عمداً مرتکب جرم قتل میشوند جزای شان جهنم است وبرای ی همیشه در آنجا میمانند. (سوره النساء آیه ۹۳)

همچنان درآیه مبارکه ۱۷۸ سوره بقره می فرماید. ترجمه: " ای کسانی که ایمان آورده اید در مقابل کشته شدگان قصاص بر شما فرض شده است.

همچنان در آیه ۱۷۹ سوره بقره می فرماید: ترجمه: ای اصحاب دانش در قصاص زندگی برای شما است. همچنین در احادیث پیامبر اسلام آمده است:

" شخصی که خود رانسبت یک امر دنیوی بکشد روز قیامت به سبب آن عذاب می شود.

یا کسیکه در قتل یک مسلمان بجزیی، از یک کلمه قاتل را کمک نماید در حالیکه با خداوند مواجه میشود که بین چشمانش در پیشانیش نوشته میباشد که از رحمت الله مایوس است.

بدین سان احادیث زیاد در مورد مجازات قتل وجود دارد که از آوردن همه آنها دراینجا نسبت جلوگیری از طوالت کلام صرف نظر شد. اکنون بر می گردیم به مجازات جرم قتل عمد درکود جزاء که قانون مذکور جدیداً نافذ گردیده است.

قتل عمد را کود مذکور در فقره ۱ ماده ۵۴۶ خویشت چنین تعریف کرده است:

(۱) - قتل عمد عبارت است از، ازبین بردن حیات شخص زنده دیگر با داشتن قصد قتل."

عناصر تشکیل دهنده جرم قتل:

گرچه علمای فقه عناصرجرم قتل عمدی را سه چیز تذکر داده اند: مانند مجنی علیه آدم زنده باشد، قتل در نتیجه فعل جانی باشد وجانی قصد قتل را داشته باشد.

اما عناصر جرم قتل از دیدگاه علمای حقوق عبارتند از: عنصر قانونی، عنصر معنوی وعنصر مادی.

عنصر قانونی جرم:

عنصر قانونی جرم، عبارت از عنصر است که جرم در قانون پیش بینی شده ومجازات بر آن تعیین شده باشد. چنانچه جرم قتل در کود جزاء از ماده (۵۴۶) الی (۵۵۰) پیش بینی ومجازات برآن تعیین شده است.

عنصر معنوی جرم:

عنصر معنوی جرم، عبارت است از اینکه شخص آگاهانه وبا اراده و با درک عواقب عملی که انجام میدهد، مرتکب جرم قتل شود. در صورت نبودن این آگاهی عمل انجام شده وصف جرمی ضرب وجرح منجر به موت را بخود میکشد.

عنصر مادی جرم:

عنصر مادی جرم، عبارت است از اجرای یک عمل مادی ومثبت که هدف آن از بین بردن حیات یک شخص باشد. اراده قتل را داشتن وان را بیان نمودن موجب دادن وصف قاتل به شخص ویا تثبیت به جرم قتل شده نمیتواند. علمای حقوق بکار بردن نوع وسایل که مجرم از کدام نوع سلاح استفاده کرده یا از اثر افعال وانهم آگاهانه وچگونه را مهم نمیدانند، مهم نزد شان اجرای عملی است که نتیجه داده باشد یعنی جرم قتل صورت گرفته باشد. درینصورت است که عنصر مادی جرم قتل تحقق پیدا می کند.

بعد از توضیح مختصر در رابطه به جرم قتل بر میگرددیم به مجازات جرم قتل در کود جزاء که چه گونه مجازات را در نظر گرفته است.

کود جزاء در ماده (۵۴۷) خویشت مجازات قتل عمد را با درنظر داشت شرایط پیش بینی شده در قانون مذکور چنین صراحت داده است:

شروط و قیود تعدد زوجات

تتبع و نگارش: دردانه فضایی

ما قبلاً گفتیم که شریعت اسلامی تعدد زوجات را مشروع قرار داده است مانند شریعت های قبلی، اما با فرق اینکه مطلق نه بلکه بادر نظر داشت اسباب، و برای آن حدود وشروط وضع کرده است که قرار ذیل است:

الف ((اسباب که درتعدد زوجات باید مراعات شوند عبارت اند از اسباب عام واسباب خاص که ذیلاً آنها را بیان میکنم:

۱. اسباب عام: ازجمله اسباب عام تداوی ومعالجه کردن حالت کم بودن مردان وزیاد بودن زنان می باشد، چه درحالت عادی باشد مانند؛ زیاد بودن زنان نسبت به مردان مثل: شمال اروپا ویا زیاد بودن زنان بعد از جنگها، چنانچه بعد از جنگ جهانی اول این حالت درآلمان بوقوع پیوست، که درمقابل یک مرد چهار زن ویا شش زن وجود داشت، پس زنان آلمان دست به مظاهره زدند وخواهان نظام تعدد زوجات شدند. زیرا تعداد عظیم از مردان کشته شده بودند ولقطه درشاه راهلواواماکیمن عمومی زیاد شده بود.

درچنین حالت برای مصلحت ورحمت وحفاظت زنان از ابتزال وانحرافات جنسی ونگهداشت ازامراض مهش وخطیر مانند؛ ایدز... نظام تعدد زوجات یک ضرورت اجتماعی می باشد تالینکه زن به خانه وزندگی زناشویی، خانه وزندگی ای که زن درآن احساس اطمینان وراحتی می کند راه پیدا کند. واز جمله اسباب تعدد زوجات احتیاج امت اسلامی است به زیادت نسل وفرزندان برای مقابله با دشمن وبرای کمک وهمکاری درکارهای زندگی مانند؛ زراعت وصناعت وغیره.

تعدد زوجات در دین یهود مباح بود وکدام نصی هم دال برتحریم آن دردین مسیح وجود نداشت. زیرا کلیساها درعصر حاضر به فرقه های خود اجازه تعدد زوجات را داده اند.

وازجمله اسباب تعدد زوجات حاجت اجتماعی آن است بخاطر ایجاد قرابت ها جهت نشر دعوة اسلامی، مثلیکه رسول اکرم(ص) ۵۴ سالگی خود نه زن گرفتند، البته نه زن خاص به پامیر اکرم (ص) جوازبدهد، بخاطر نشردعوه اسلامی وبخاطر کسب کردن انصار دین جدید راکه آن اسلام بود، درحالیکه تا سن ۵۴ سالگی به یک زن اکتفاء کردند که آن حضرت خدیجه رضی الله تعالی عنها بود.

ادامه در صفحه ۳

ادامه در صفحه ۳

برگزاری ورکشاپ سه روزه (حقوق اطفال ومحافظت ازآن)

گزارشگر: بشیر احمد عزیزی



تاریخ اجرا: ۲۰الی ۲۲/حمل

ریاست عمومی مساعدت

های حقوقی وزارت

عدلیه ج.ا.ا به همکاری

تخنیکی ومالی دفتركانادایی

متاثر از جنگ برنامه آموزشی

سه روزه را تحت عنوان

حقوق طفل ومحافظت

ازآن) برای (۱۵) تن

ازکارمندان ریاست عمومی

مساعدت های حقوقی

وریاست عمومی مرکز اطفال

درتالارآن وزارت دایر نمود.

دراین برنامه موضوعات

چون اطفال درادوار قبل

ازاسلام، مقاصد تشریع

اسلام، چهار حق اساسی

طفل طبق کنوانسیون

حقوق طفل، حالات جنایت

برجین ومجازات آن ازنگاه

شرع وچندین موارد مهم

دیگر روی بحث وآموزش

قرار گرفت.